

در بدخشان تاجکستان چه میگذرد؟

نوشته نذری "نیرومند"

۲۵ اسد ۱۳۹۱



با ترور ریس امنیت ملی کولابی تبار ولایت بدخشان جمهوری تاجکستان لشکر کشی عظیم دولت تاجکستان به استقامت بدخشان کوهی وضع امنیتی ولایت که از ثبات لازم برخوردار بود به وخامت گرایده و هنوز هم با وجود طرح های مصالمت آمیز به وساطت کشور های منطقه سازمان های بین

المللی و مخصوصا ادارات آقا خان همچنان مبهم باقی مانده است. عدهء آنرا یک حرکت مافیای مواد مخدر که رقبای بخش دولتی و ههچنان افراد غیر دولتی بخاطر تسلط بیشتر بر روند آن وضعیت را به این مرحله رسانیده اند. چنانچه استدلال میکنم که ریس امنیت ترور شده خود از جمله قوماندان های جهادی گذشته به این مسئله ارتباط داشته و میخواست رقبای خود را از جمله قوماندان های اسبق جهادی بدخشان را ضعیف و از صحنه رقابت بیرون بسازد.

عده این وضعیت را ناشی از فعالیت های ترورستی القاعده و طالبان که از طریق مرز های افغانستان با کشور های آسیای میانه در حال نفوذ است منوط میدانند. تعدای آنرا ناشی از نارضایتی روز افزون مردم تاجکستان از تمرکز قدرت بدست کولابی ها بریاست جناب عالی امام علی رحمان عنوان میکنند. و ادعا دارند واقعاتی از این قبیل در بعضی نقاط تاجکستان در گذشته نیز بوقوع پیوسته است و اما نظریات نگران کننده خطرناک محدود افراد 1990 که بطور خاص در افغانستان و کشور های آسیای میانه مطرح گردیده بود، اینک یکبار دیگر متأسفانه از جانب بعضی حلقات دولتی افغانستان و تاجکستان بحیث ابزار بطور مرموز پیش کش و یگان نماینده شورای ملی افغانستان نیز از ابراز نظر در این مورد

انکار نمی کند. و آن ایجاد دولت اسماعیلی در عوضه اطراف پامیر چون چترال، گلگت پاکستان، غرب چین، مناطق مرزی بدخشان افغانستان و تاجکستان که مظاهر آن در دید و بازدید های بخش نظامی تاجکستان و افغانستان و فعالیت مشترک نظامی بخاطر سرکوب وقایع بدخشان تاجکستان تا سرحد مداخله در امور دیگران کاملاً مشهود و هویداست که من به حیث یک اسماعیلی ساکن در نوار مرزی این نظریه اخیر را یک اتهام محض از جانب مخالفین ادارات آقاخان در این منطقه میدانم. اول اینکه قبل از وقت خواهد بود که اگر عنوان بکنم حادثه بدخشان تاجکستان یک حادثه مافیائی، ترورستی، مذهبی، سیاسی و یا مبارزه قانونی بخاطر اعاده حقوق شهروندی و غیره باشد.

ارایه هرگونه نظریات در این مورد الی ریشه یابی حقیقی آن غیر منصفانه، غیر عادلانه، غیر اسلامی و انسانی بوده و میباشد. زیرا ایجاد دولت های مقتدر اسماعیلی در شمال غرب افریقا، دولت فاطمی، مصرونهضت الموتی در ایران در نتیجه فشار و پیگرد خلفای بغداد بالای خاندان نبوت و امپراتوری سلجوقی ایران ضرورت تحمیلی آن زمان بوده مدل آن دیگر ضرورت قرن بیست و یک که جهان اسلام در برابر چالش های عظیم امروز قرار دارد، نمی باشد. و برهمن اساس است که حضرت آقاخان همیشه نه تنها به یکپارچگی جهان اسلام تاکید میکند بلکه پلورالیزم، کثرت گرایی، همزیستی و گفتگوی مدنییت ها از جمله ضرورت های عمده جهان امروز میدانند.

زیرا اگر درست باشد که حادثه بدخشان یک حرکت مذهبی بخاطر ایجاد دولت حوزه اسماعیلی باشد به هیچ وجه چنین نیست. زیرا در این مناطق مردمان مختلف با عقاید مذهبی گوناگون اسلامی درکشور های مذکور و از جمله بدخشان تاجکستان زندگی میکنند. و درواقع بدخشان مشترکاً سهم دارند و حتی دولت افغانستان تعدادی از قوماندان های جهادی اسبق افغانستان را در همکاری با این واقعه که به مذهب اهل سنت تعلق دارند مورد پیگرد و تعقیب قرار داد.

حمایت مناطق مختلف جمهوری تاجکستان و بعضی کشورهای منطقه از جریانات تاجکستان کذب این نظریه را کاملاً هویدا و به اثبات میرساند. که اهداف درازمدت آقاخان در این حوزه تنها ایجاد روابط سودمند اقتصادی، فرهنگی، صحتی، تعلیمی و تربیتی برای مردمان منطقه و کشورهای منطقه بوده و بس در غیر این صورت اگر واقعات موجود بدخشان تاجکستان متأثر از فعالیت های مافیائی باشد نه تنها افراد مافیائی در بیرون از دولت تاجکستان و افغانستان وجود دارند بلکه در داخل

دولت های مذکور الی سطح مقامات عالی دولتی وجود دارند. چنانچه مقامات دولت افغانستان بار ها افشای لست چنین افراد را رسماً مطرح نموده و مقامات دولت تاجکستان هم به آن اشاراتی داشته اند. بنا قضاوت و اجرات یک طرفه نتیجه ای نخواهد داشت. ویا این حرکت اگر به شبکه های القاعده و طالبان ارتباط می داشت نیمشد که مخالفان دولت تاجکستان در بدخشان با وجودیکه دست بالائی از نقطه نظر نظامی بدست آورده اند در ظرف چند روز به اساس فرمان مبارک حضرت شاه کریم الحسینی آقا خان چهار به مقامات بین المللی بدون چون و چرا صرفاً با ارایه پیش شرط اعاده حقوق شهروندی شان سلاح خویش را بر زمین گذاشته به مصالحه تن در داده اند. به هر صورت هر چه که از دیدگاه هر کسی است موضوع بدخشان آن طرف مرز یک موضوع داخلی کشور تاجکستان است. مردم آن کشور و دولت مربوط آن حق دارند در مسئله داخلی شان تصمیم بگیرند. ولی من بحیث یک تبعه افغانی که اوضاع را از نزدیک در مرز مشاهده میکنم و طنداران افغانی ام و دولت افغانستان را خطاب قرار می دهم. بهتر است عوض ارایه نظریات پیرامون موضوعات داخلی تاجکستان که بیشتر جنبه حقوقی دارد به مسایل داخلی خودمان که پیچیده تر از اوضاع تاجکستان است به اندیشیم. بهتر است عوض تدارکات قوی نظامی در ولسوالی شغنان و ولایت بدخشان افغانستان و عبور تدارکات شبانه نظامی به آن سوی مرز که اوضاع را همچنان پیچیده تر می سازد خوب است از این نیرو در تامین امنیت نقاط نا امن کشورمان و مخصوصاً نقطه داغ ولایت کنر افغانستان که پاکستانی ها تا پنج کیلو متر پیش آمده اند ویا در ولسوالی وردوج و ولایت بدخشان که قریب ولسوالی های همجوار را متاثر و نا امن بسازد استفاده شود. دولت افغانستان باید در مورد عهدنامه ها و میثاق های بین المللی راکه بسیار تر آنها را رسماً امضانموده راجع به دولت و مردم تاجکستان در نظر گرفته احترام قائل شود. آنچه که به مردمان مرزی ارتباط دارد همه ما طرفدار دو دولت مسلمان و باهم برادر که از ثبات و امنیت عام و تام برخوردار باشیم هیچگونه مداخله ای را در امور داخلی یکدیگر نمی خواهیم داشته باشیم. چنانچه همه گان مشاهده میفرمایند در لحظات داغ و اوقات بدخشان تاجکستان از جانب مردمان سرحدی ما هیچ گونه دخالتی صورت نگرفته و نه خواهد گرفت. پس خداوند(ج) همه کسانی راکه تحمل نام شنیدن اسماعیلیان راکه در پرتو قوانین کشوری و بین المللی را که حاضره فقط و فقط ابراز موجودیت نموده و هنوز هم از اکثریت حقوق مدنی و شهروندی محروم اند، توفیق دهد.

ومن الله توفیق

نذری "نیرومند"